

از خام‌فروشی تا ارزش آفرینی: مسیر تازه صادرات ایران



امیر روشن‌فکشت - معاون اول نماینده کارهای بین‌المللی سازمان توسعه تجارت ایران

توسعه صادرات غیر نفتی یکی از الزامات اساسی رشد اقتصادی، تقویت درآمد‌های ارزی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد ایران در برابر محدودیت‌های خارجی است. با این حال، برای ارزیابی وضعیت تجارت خارجی کشور، نباید صرفاً به حجم کالاهای صادر شده یا میزان رشد اسمی صادرات اکتفا کرد. پرسش اصلی این است که صادرات ایران تا چه اندازه ارزش افزوده ایجاد می‌کند، چه میزان ارزش‌آوری به همراه دارد و محصولات ایرانی با چه هزینه‌ای به بازارهای هدف می‌رسند. یکی از چالش‌های ساختاری تجارت خارجی ایران، پایین بودن ارزش متوسط هر تن کالای صادراتی و سهم قابل توجه کالاهای خام و نیمه‌خام در سبد صادرات است. در اظهارات اخیر درباره وضعیت تجارت کشور، ارزش متوسط هر تن کالای صادراتی حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ دلار عنوان شده است. این شاخص نشان می‌دهد که افزایش حجم صادرات، بدون اصلاح ترکیب کالاهای صادراتی، لزوماً به افزایش متناسب درآمد ارزی منجر نخواهد شد. بنابراین، راهبرد توسعه صادرات باید بر افزایش ارزش افزوده، تکمیل زنجیره تولید و تقویت توان رقابتی بنگاه‌های ایرانی استوار باشد. هدف آن نیست که صادرات مواد اولیه به صورت مطلق کنار گذاشته شود، بلکه باید شرایطی فراهم شود که اقتصاد کشور بتواند از ظرفیت‌های تولیدی خود ارزش بیشتری خلق کند و سهم محصولات فرآوری شده، صنعتی، دانش‌بنیان و خدمات تخصصی در صادرات افزایش یابد.

❖ لجستیک؛ حلقه تعیین‌کننده رقابت‌پذیری

یکی از مهم‌ترین موانع توسعه صادرات، بالای بودن هزینه حمل و کیفیت خدمات لجستیکی است. حتی محصولی که از مزیت نسبی در تولید برخوردار است، اگر از هزینه بالای حمل‌ونقل، بیمه، انبارداری و تشریفات تجاری مواجه شود، ممکن است توان رقابت با محصولات مشابه کشورهای دیگر را از دست بدهد. این مسئله برای کالاهای خام و نیمه‌خام اهمیت بیشتری دارد. در بسیاری از این محصولات، ارزش اقتصادی هر واحد وزن در مقایسه با کالاهای نهایی پایین‌تر است، در نتیجه، افزایش هزینه حمل‌ونقل می‌تواند بخش مهمی از حاشیه سود صادرکننده را از بین ببرد و فروش کالا در بازار مقصد را غیر اقتصادی کند. در چنین شرایطی، توسعه تجارت نیازمند نگاه یکپارچه به زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مسیرهای زمینی و دریایی، ظرفیت بندر، شبکه ریلی و سازوکارهای حمایتی است. نمی‌توان انتظار داشت که با محدود شدن مسیرهای اصلی تجاری، تمام بار صادرات کشور بدون افزایش هزینه به مسیرهای جایگزین منتقل شود. تفاوت ظرفیت کشتی‌ها، قطارها و ناوگان جادای و همچنین هزینه‌های تخلیه و بارگیری، مستقیماً بر قیمت نهایی کالا اثر می‌گذارد.

از این رو، تقویت زیرساخت‌های تجاری و توسعه مسیرهای جایگزین باید به‌عنوان بخشی از سیاست توسعه صادرات دنبال شود. استفاده از ظرفیت کشورهای همسایه، گسترش همکاری‌های حمل‌ونقلی و توسعه ارتباطات ریلی و دریایی می‌تواند به کاهش وابستگی به مسیرهای محدود و افزایش پایداری تجارت کمک کند.

❖ اصلاح سازوکارهای ارزی و کاهش هزینه تجارت

بازگشت ارز حاصل از صادرات، یکی از موضوعات مهم در سیاست‌گذاری تجارت خارجی است. اصل بازگشت ارز برای استمرار فعالیت تولیدی و تأمین نیازهای وارداتی کشور اهمیت دارد و اصلی پذیرفته تلقی می‌شود و از این رو در نحوه اجرای مقررات ارزی نیز باید به گونه‌ای عمل شود که انگیزه صادرات تضعیف نشود.

اختلاف میان نرخ‌های رسمی و غیررسمی ارز و الزام صادرکننده به عرضه ارز با نرخ‌هایی که ممکن است با شرایط واقعی بازار همخوانی نداشته باشند، می‌تواند بر تصمیم‌بناهای صادرات اثر بگذارد. در چنین شرایطی، ضرورت دارد میان اهداف کلان سیاست‌ارزی و الزامات عملیاتی بنگاه‌های صادراتی هماهنگی بیشتری برقرار شود. همچنین، افزایش هزینه‌های بیمه، حمل‌ونقل و مبادلات تجاری در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی، نیازمند بررسی راهکارهای حمایتی هدفمند است. استفاده از مشوق‌های صادراتی و طراحی سازوکارهای جبرانی برای بخش‌هایی که با افزایش شدید هزینه‌های لجستیکی مواجه شده‌اند، می‌تواند به حفظ بازارهای صادراتی کمک کند. مشروط بر آن‌که این حمایت‌ها شفاف، هدفمند و مبتنی بر ارزیابی اقتصادی باشند.

اطلس صادراتی؛ حرکت از تجارت تجربی به تجارت داده‌محور

یکی از پیش‌نیازهای توسعه پایدار صادرات، شناخت دقیق بازارهای هدف است. صادرکننده باید بداند محصول او در کدام کشورها تقاضای بیشتری دارد، چه رقبایی در آن بازار فعال‌اند، قیمت‌های رقابتی چگونه تعیین می‌شوند و چه استانداردها و مقرراتی برای ورود کالا وجود دارد. در همین راستا، توسعه اطلس صادراتی می‌تواند به بهبود دسترسی فعالان اقتصادی به اطلاعات تجاری کمک کند. دسترسی به داده‌های تفکیک‌شده بر اساس کالا و کشور، امکان شناسایی فرصت‌های جدید و ارزیابی موقعیت تجاری ایران را فراهم می‌کند. ارزش واقعی چنین ابزاری زمانی آشکار می‌شود که اطلاعات آن به تصمیم‌گیری عملی بنگاه‌ها، برنامهریزی تولید و ارتباط با بازار مقصد منجر شود.

سیاست توسعه تجارت همچنین باید از ظرفیت شرکت‌های کوچک و متوسط بهره بیشتری بگیرد. این بنگاه‌ها برای حضور پایدار در بازارهای خارجی به خدمات خدمات فنی و مهندسی، فناوری اطلاعات، خدمات تخصصی و دانش‌بنیان می‌توانند سهم مهمی از تنوع‌بخشی به منابع درآم‌داری کشور داشته باشند.

مزیت صادرات خدمات در بسیاری از موارد، وابستگی کمتر آن به حمل‌فیزیکی کالا است؛ هرچند این حوزه نیز با محدودیت‌های مربوط به نقل‌وانتقال مالی، دسترسی به بازار، مقررات بین‌المللی و تأمین ضمانت‌نامه‌ها روبه‌روست. تقویت حضور شرکت‌های ایرانی در پروژه‌های خارجی و ایجاد سازوکارهای مناسب برای تأمین مالی و پشتیبانی از این شرکت‌ها، می‌تواند ظرفیت جدیدی برای توسعه تجارت ایجاد کند.

❖ معیار موفقیت؛ افزایش ارزش صادرات است

آینده تجارت خارجی ایران به توانایی کشور در هماهنگ‌سازی سیاست‌های تولید، ارزی، لجستیکی و تجاری وابسته است. توسعه صادرات با یک تصمیم یا بخشنامه منفرد محقق نمی‌شود؛ بلکه به مجموعه‌ای از اصلاحات هماهنگ، زیرساخت‌های کارآمد و اطلاعات دقیق بازار نیاز دارد. معیار ارزیابی موفقیت سیاست‌های صادراتی باید فراتر از تناژ کالاهای صادر شده باشد. افزایش ارزش متوسط هر تن صادرات، رشد سهم محصولات دارای ارزش افزوده بالا، کاهش هزینه‌های تجارت، تنوع‌بخشی به بازارهای مقصد و گسترش صادرات خدمات، از ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند تصویری دقیق‌تر از عملکرد تجارت خارجی ارائه دهند. مسیر پیش‌روی اقتصاد ایران، حرکت به سمت تجارتی است که در آن تولید رقابت‌پذیر، اطلاعات بازار، زیرساخت‌های لجستیکی و سیاست‌های تسهیل‌کننده در کنار یکدیگر قرار گیرند. به نظر می‌رسد با چنین رویکردی می‌توان ظرفیت‌های تولیدی کشور را به درآم‌داری پایدار، اشتغال مولد و جایگاه قوی‌تر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی تبدیل کرد.

معدن

در گفت‌وگو با همدان با کارشناس معدنی به مناسبت روز ملی صادرات مطرح شد:

صادرات مواد معدنی در پیچ‌وخم چالش‌های ساختاری



در ارتباط میان سنگ‌آهن و فولاد، ممکن است منافع متفاوتی وجود داشته باشد و فشارهایی برای قیمت‌گذاری دولتی ایجاد شود. از نظر من، بهترین روش قیمت‌گذاری بر مبنای قیمت‌های جهانی و در

چارچوب بازاری است که تولیدکننده و مصرف‌کننده بتوانند به تعادل برسند. قیمت باید با بهای تمام‌شده بنگاه تناسب داشته باشد و در عین حال، با قیمت جهانی قابل مقایسه باشد. اگر برای ایجاد تعادل مصنوعی میان حلقه‌های مختلف به‌طور مکرر در قیمت‌ها مداخله شود، ممکن است مشکل یک بخش به بخش قبلی یا بعدی منتقل شود. هدف باید این باشد که قیمت‌گذاری تا حد امکان بر مبنای شرایط بازار، قیمت‌های جهانی و هزینه‌های واقعی تولید انجام شود. نقش دولت می‌تواند تنظیم‌گری و ایجاد شرایط رقابتی باشد، نه اینکه مداخله‌های مکرر و تصمیم‌های غیرکارشناسی، مانع تازهای برای تولید و صادرات ایجاد کند.

❖ **با توجه به افزایش هزینه حمل‌ونقل در بی‌جنگ و تحریم‌ها، چه نوع حمایتی می‌تواند به حفظ رقابت‌پذیری صادرکنندگان کمک کند؟**

در گفت‌وگوهای قبلی با رسانه‌های دیگر مطرح کردم که به‌واسطه جنگ تحریم‌ها و اتفاقات رخ‌داده، هزینه حمل‌ونقل افزایش زیادی پیدا کرده است. برآوردی که آن زمان مطرح کردم، افزایش حدود ۱۰ تا ۱۸ دلار در هزینه حمل نسبت به پیش از جنگ بود. پیشنهاد من این بود که دولت در حوزه حمل‌ونقل، خدمات گمرکی و مالیات، حمایت‌هایی در نظر بگیرد تا بخشی از این افزایش هزینه‌ها جبران شود و بازار گان بتواند با شرایط مناسب‌تری فعالیت کند. اگر دولت بتواند در این بخش کمک کند، بازار گان و تولیدکنندگان امکان بیشتری برای ادامه رقابت خواهند داشت. از طرف دیگر، صادرات برای دولت نیز ارزش‌آوری و فولاد پاسخ‌گو نیست، پیشنهاد حمایت از کرانه حمل حمایت‌دهندگان از هزینه‌های تجارت می‌تواند به حفظ صادرات و تداوم فعالیت اقتصادی کمک کند. البته این موضوع باید متناسب با شرایط روز بررسی شود. وقتی صادرات دریایی انجام نمی‌شود و صادرات زمینی نیز برای جابه‌جایی حجم بالای محصولات زنجیره سنگ‌آهن و فولاد پاسخ‌گو نیست، پیشنهاد حمایت از کرانه حمل برای صادراتی که عملاً انجام نمی‌شود، اثر قوی نخواهد داشت. به همین دلیل، این موضوع را به‌عنوان پیشنهاد اصلی برای شرایط فعلی مطرح نکردم.

اما اگر محدودیت صادرات دریایی بر طرف شود و کشتی‌ها دوباره امکان حمل بار را پیدا کنند، نباید تصور کنیم که هزینه حمل به‌سرعت به سطح قبل بازمی‌گردد. افزایش هزینه‌ها ممکن است ادامه داشته باشد و صادرکنندگان همچنان برای رقابت با تولیدکنندگان کشورهای دیگر به حمایت نیاز داشته باشند. در چنین شرایطی، دولت می‌تواند با بررسی گزینه‌های مختلف، حمایت‌های محدود و هدفمند را به‌عنوان یک خدمات گمرکی و مالیات را در نظر بگیرد. این حمایت‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که هم به حفظ رقابت‌پذیری صادرکنندگان کمک کنند و هم منابع دولت به شکل هدفمند به کار گرفته شوند. منظور، ایجاد محدودیت یا حمایت بدون ضابطه نیست؛ بلکه باید شرایطی فراهم شود که تولیدکنندگان و بازار گانسان بتوانند در بازارهای جهانی با هزینه‌های قابل رقابت فعالیت کنند. اگر هزینه‌های حمل همچنان بالا بماند و در کنار آن محدودیت‌های داخلی نیز ادامه پیدا کند، ممکن است صادرکنندگان ایرانی را رقابت با کشورهای دیگر، مالیات، شرایط نامساعد ارزی، ریلی و بندری کاهش یابد. این که به‌سختی به دست آمده‌اند، می‌توانند در اختیار رقبایی قرار گیرند که امکان حمل‌ونقل از تن یا دسترسی پایدار به بازار دارند. از همین رو، با بازگشت صادرات دریایی نیز مسئله هزینه حمل باید در سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد.

❖ **در مجموع، چه اقداماتی برای حفظ بازارهای صادراتی و تقویت زنجیره معدن و صنایع معدنی ایران باید در اولویت قرار گیرد؟**

نخست باید پذیریم که معدن و صنایع معدنی از ظرفیت‌های مهم کشور هستند، اما برای استفاده از این ظرفیت‌ها به مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ نیاز داریم. تکمیل اکتشافات، شناسایی دقیق تر ذخایر، دسترسی به ماشین‌آلات مناسب و سرمایه‌گذاری در تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر، از جمله مواردی هستند که می‌توانند جگه معدن ایران را تقا دهند. در کنار این موارد، باید زیرساخت‌های حمل‌ونقل توسعه پیدا کنند و مشکلات جادای، ریلی و بندری رفع شود. در نهایت، بدون حمل‌ونقل مناسب، حتی اگر تولیدکننده محصول باکیفیتی داشته باشد، امکان عرضه رقابتی آن به بازارهای جهانی محدود می‌شود. هزینه حمل و دسترسی به بندر، بخشی از هزینه تمام‌شد صادرات است و باید در کنار سایر عوامل مورد توجه قرار گیرد. مسئله دیگر، ثبات مقررات است. قوانین و تصمیم‌های داخلی باید بر اساس بررسی کارشناسی و متناسب با شرایط هر بخش تنظیم شوند. وضع عوارض و محدودیت‌های صادراتی ممکن است در برخی حلقه‌ها توجیه داشته باشد، اما نمی‌توان آن را به همه بخش‌ها تعمیم داد. باید میان حلقه‌هایی که با کمبود مواد اولیه روبه‌رو هستند و بخش‌هایی که مازاد تولید دارند، تفاوت قائل شد. همچنین حمایت از تولیدکنندگان و صادرکنندگان در شرایط دشوار باید هدفمند باشد. در شرایطی که امکان صادرات دریایی محدود شده، دولت می‌تواند در حوزه‌هایی مانند حمل‌ونقل، حقوق دولتی و مالیات، شرایط نامساعد ارزی بررسی کند تا فشارهای موقت به تعطیلی فعالیت‌ها منجر نشود. با این حال، حمایت‌ها باید بر اساس شرایط واقعی و با هدف حفظ فعالیت اقتصادی انجام شوند. در نهایت، هدف باید این باشد که زنجیره معدن و صنایع معدنی بتواند به‌صورت پیوسته فعالیت کند. معدن باید امکان فروش محصول خود را داشته باشد، واحدهای میانی بتوانند مواد اولیه را تأمین و محصولات خود را عرضه کنند و صادرکنندگان نیز امکان دسترسی به بازارهای هدف را داشته باشند. اگر این گردش اقتصادی برقرار باشد، امکان سرمایه‌گذاری در اکتشاف، توسعه زیرساخت‌ها و افزایش ارزش افزوده بیشتر خواهد شد. ما منابع معدنی ارزشمندی در اختیار داریم و باید از این منابع به شکلی استفاده کنیم که علاوه بر تأمین نیازهای کشور، به توسعه اقتصادی و ایجاد ثروت نیز کمک کند. این هدف زمانی محقق می‌شود که سیاست‌گذاری به جای ایجاد مانع، مسیر فعالیت تولیدکنندگان و صادرکنندگان را تسهیل کند و تصمیم‌ها با بلندبندمدت و کارشناسی گرفته شوند.

فعالیت کنند. اگر شبکه‌های انتقال و توزیع انرژی مناسب باشند، امکان تأمین پایدار انرژی بیشتر می‌شود و نوسان‌های فصلی نیز می‌تواند کاهش پیدا کند.

بر اساس برآورد من، سهم مصرف گاز صنایع فولادی کشور کمتر از ۵ درصد و شاید کمتر از ۳ درصد مصرف گاز کل کشور است. این رقم می‌تواند نشانه‌ای از آن باشد که بخشی از مشکل به شبکه انتقال و توزیع مربوط می‌شود و این شبکه‌ها نیازمند اصلاح هستند. البته اصلاح این زیرساخت‌ها ممکن است سال‌ها زمان ببرد و هزینه‌های زیادی داشته باشد، اما تا زمانی که مشکلات انرژی حل نشده‌اند، نباید با ایجاد موانع تازه، فشار مضاعفی بر زنجیره معدن و صنایع معدنی وارد کنیم.

در حلقه‌هایی که مازاد تولید دارند، صادرات می‌تواند به زنجیر کمک کند. درآمد حاصل از صادرات امکان سرمایه‌ری‌گذاری در اکتشاف، توسعه زیرساخت‌ها و بهبود حمل‌ونقل را فراهم می‌کند. به همین دلیل، اگر قرار است عوارضی وضع شود، باید هدفمند و متناسب با شرایط همان بخش باشد. سیاستی که در یک حلقه به تأمین مواد اولیه کمک می‌کند، ممکن است در حلقه‌ای دیگر به مانهی برای فروش، تولید و سرمایه‌گذاری تبدیل شود.

❖ **با وجود تحریم‌ها، دشواری انتقال پول و رقابت شدید در بازار جهانی سنگ آهن، چه عواملی به تداوم صادرات ایران کمک کرده‌اند؟ کدام موانع داخلی را می‌توان با تصمیم‌گیری بهتر کاهش داد؟**

با وجود مشکلات داخلی، تحریم‌های خارجی و دشواری انتقال پول از طریق شبکه بانکی، این بازار گان بوده‌اند که در بسیاری از مواقع راه خود را پیدا کرده‌اند. صادرات مادر میان صادرات غیر نفتی کشور، به‌ویژه در زنجیره آهن و فولاد، سهم قابل توجهی داشته است. بنابراین، نمی‌توان گفت مشکلات داخلی به‌تنهایی باعث شده‌اند رقابت ما در بازارهای جهانی از بین برود. بازار سنگ‌آهن بازاری شناور است و در مقاطع مختلف سال افت‌وخیز دارد. بازیگران اصلی مانند چین، استرالیا و برزیل بر روند این بازار تأثیر زیادی می‌گذارند و ایران نیز از تغییرات آن تأثیر می‌پذیرد. بازار گان‌ان ایرانی با تحلیل بازار، استفاده از مشاوران و انتخاب زمان مناسب برای فعالیت توانسته‌اند در دوره‌های صادرات را ادامه دهند. این فعالیت در شرایطی انجام شده که صادرکنندگان با مشکلات متعددی روبه‌رو بوده‌اند، از اختلاف نرخ ارز در بازار آزاد و نرخ‌های مبادله‌ای گرفته تا عوارض صادراتی، محدودیت پهلوگیری کشتی‌ها، مشکلات لایروبی برش بندر، افزایش کرایه حمل، نوسان قیمت حامل‌های انرژی و محدودیت‌های حمل‌ونقل ریلی. بازار گان ناچار بوده‌اند این عوامل را مدیریت کنند اما امکان صادرات ارزش‌آوری برای کشور حفظ شود. بخشی از مسائل خارجی، از جمله دشواری انتقال پول و هزینه‌های مربوط به آن، با راهکارهای خود بازار گان مدیریت شده است. اما در حوزه داخلی می‌توان از وضع قوانین ناگهانی و بدون بررسی کارشناسی جلوگیری کرد. ممکن است یک قانون در مقطعی از زمان برای مدیریت یک وضعیت خاص وضع شود، اما اگر بدون توجه به تغییر شرایط ادامه پیدا کند، به مانهی برای فعالیت اقتصادی تبدیل خواهد شد. مقررات باید با توجه به شرایط روز بازنگری شوند. قانونی که در یک مقطع کار کرد مشخصی دارد، ممکن است در شرایطی دیگر دیگر کارآمد نباشد. ادامه چنین مقرراتی می‌تواند به صادرات ضربه بزند و در نهایت، اثر آن به حلقه‌های دیگر زنجیره منتقل شود. وقتی صادرات دچار اختلال می‌شود، مشکل تنها در بخش بازار گانی باقی نمی‌ماند. معدن ایران در ادامه تولیدبه‌فروش محصول نیاز دارد و خود احفرآوری نیز برای خرید مواد اولیه و پرداخت هزینه‌های جاری به درآم حاصل از فروش وابسته است. در نتیجه، اختلال در صادرات می‌تواند به کاهش تولید و مالیات منتهی شود و در طول زمان، توجیه اقتصادی فعالیت معدن و سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده را تحت تأثیر قرار دهد.

به همین دلیل، باید میان مشکلاتی که خارج از اختیار فعالان اقتصادی هستند و موانعی که با اصلاح سیاست‌های داخلی قابل کاهش‌اند، تفاوت قائل شد. تحریم‌ها و محدودیت‌های بانکی به تصمیم‌های داخلی وابسته نیستند، اما در حوزه‌هایی مانند ثبات مقررات، شیوه تعیین عوارض، هزینه‌های بندری و حمل‌ونقل و نحوه حمایت از تولیدکنندگان، امکان تصمیم‌گیری و اصلاح وجود دارد.

❖ **در شرایط محدودیت صادرات دریایی، کدام بخش از زنجیره معدن و فولاد بیشتر آسیب می‌بیند؟ دولت برای جلوگیری از توقف تولید و انباشت محصولات چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟**

با اتفاقاتی که رخ داده و شرایطی که در زمان مصاحبه با آن روبه‌رو بودیم، صادرات دریایی عملاً به صفر رسیده بود و این وضعیت چندماه ادامه داشت. در چنین شرایطی، حلقه‌های میانی زنجیره آسیب‌پذیری بیشتری دارند؛ زیرا واحدهای تولید کنسانتره، گندله، آهن اسفنجی و حتی شمش برای ادامه فعالیت به مواد اولیه نیاز دارند و به دلیل فناوری و ساختار تولید، نیروی انسانی زیادی در این واحدها مشغول به کار است. این کارخانه‌ها نمی‌توانند به‌سادگی نیروی انسانی خود را بیکار کنند یا فعالیت را متوقف کنند؛ بنابراین باید این سنگ‌آهن مصرف کنند.

در این زنجیره، معدن سنگ‌آهن تولید می‌کند و محصول خود را به واحدهای میانی می‌فروشد. واحدهای میانی نیز تولید دارند. اما وقتی امکان عرضه محصول به بازار خارجی محدود شود و بازار داخلی ظرفیت جذب تمام تولید را نداشته باشد، با مشکل فروش روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه، حلقه‌های میانی بیشترین آسیب را تحمل می‌کنند. در چنین شرایطی، شاید بهترین اقدام این باشد که دولت از ابزارهایی که در اختیار دارد برای تسهیل حمل‌ونقل، توقیع یا تقصیط حقوق دولتی و حمایت در حوزه مالیات استفاده کند تا بنگاه‌ها بتوانند فعالیت خود را حفظ کنند. با این حال، در شرایطی که صادرات انجام نمی‌شود و بارها در انبارها باقی می‌مانند، هزینه‌های بندری و انبارداری نیز فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد می‌کند.

در این زنجیره، معدن سنگ‌آهن تولید می‌کند و محصول خود را به واحدهای میانی می‌فروشد. واحدهای میانی نیز تولید دارند. اما وقتی امکان عرضه محصول به بازار خارجی محدود شود و بازار داخلی ظرفیت جذب تمام تولید را نداشته باشد، با مشکل فروش روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه، حلقه‌های میانی بیشترین آسیب را تحمل می‌کنند. در چنین شرایطی، شاید بهترین اقدام این باشد که دولت از ابزارهایی که در اختیار دارد برای تسهیل حمل‌ونقل، توقیع یا تقصیط حقوق دولتی و حمایت در حوزه مالیات استفاده کند تا بنگاه‌ها بتوانند فعالیت خود را حفظ کنند. با این حال، در شرایطی که صادرات انجام نمی‌شود و بارها در انبارها باقی می‌مانند، هزینه‌های بندری و انبارداری نیز فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد می‌کند.

در این زنجیره، معدن سنگ‌آهن تولید می‌کند و محصول خود را به واحدهای میانی می‌فروشد. واحدهای میانی نیز تولید دارند. اما وقتی امکان عرضه محصول به بازار خارجی محدود شود و بازار داخلی ظرفیت جذب تمام تولید را نداشته باشد، با مشکل فروش روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه، حلقه‌های میانی بیشترین آسیب را تحمل می‌کنند. در چنین شرایطی، شاید بهترین اقدام این باشد که دولت از ابزارهایی که در اختیار دارد برای تسهیل حمل‌ونقل، توقیع یا تقصیط حقوق دولتی و حمایت در حوزه مالیات استفاده کند تا بنگاه‌ها بتوانند فعالیت خود را حفظ کنند. با این حال، در شرایطی که صادرات انجام نمی‌شود و بارها در انبارها باقی می‌مانند، هزینه‌های بندری و انبارداری نیز فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد می‌کند.

در این زنجیره، معدن سنگ‌آهن تولید می‌کند و محصول خود را به واحدهای میانی می‌فروشد. واحدهای میانی نیز تولید دارند. اما وقتی امکان عرضه محصول به بازار خارجی محدود شود و بازار داخلی ظرفیت جذب تمام تولید را نداشته باشد، با مشکل فروش روبه‌رو می‌شوند. در نتیجه، حلقه‌های میانی بیشترین آسیب را تحمل می‌کنند. در چنین شرایطی، شاید بهترین اقدام این باشد که دولت از ابزارهایی که در اختیار دارد برای تسهیل حمل‌ونقل، توقیع یا تقصیط حقوق دولتی و حمایت در حوزه مالیات استفاده کند تا بنگاه‌ها بتوانند فعالیت خود را حفظ کنند. با این حال، در شرایطی که صادرات انجام نمی‌شود و بارها در انبارها باقی می‌مانند، هزینه‌های بندری و انبارداری نیز فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد می‌کند.

❖ **ایران با وجود برخورداری از ذخایر معدنی متنوع، چرا نتوانسته متناسب با ظرفیت‌های خود در بازارهای جهانی جایگاه قوی‌تری به دست آورد؟**

هرچقدر درباره معدن و صنایع معدنی صحبت کنیم، باز هم کم گفته‌ایم؛ زیرا این بخش یکی از ظرفیت‌های بزرگ آینده کشور است. ایران در حوزه سنگ‌آهن، مس، عناصر نادر خاکی، سنگ‌های تزئینی و مواد معدنی غیر فلزی منابع قابل توجهی دارد. با این حال، بخشی زیادی از این ظرفیت‌ها هنوز به‌طور کامل شناسایی نشده‌اند و اکتشافات عمقی و تکمیلی مورد نیاز انجام نگرفته است. در برخی موارد نیز اکتشافات انجام‌شده کامل نشده یا نتایج آن به‌طور کامل در اختیار بخش تخصصی معدن قرار نگرفته است. بنابراین، ظرفیت‌های بالقوه زیادی در اختیار داریم که هنوز همه آنها وارد چرخه فعالیت معدنی کشور نشده‌اند. اگر این ظرفیت‌ها شناسایی شوند و امکان سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آنها فراهم شود، می‌توانیم جایگاه خود را در میان کشورهای دارای ذخایر معدنی و توانمندی‌های زمین‌شناسی ارتقا دهیم.

یکی از دلایل اینکه نتوانسته‌ایم سهم بیشتری از بازار جهانی به دست آوریم، همین تکمیل نشدن اکتشافات، شناسایی نشدن کامل ذخایر و حرکت نکردن کافی به سمت تولید محصولات معدنی با ارزش افزوده بالاتر است. باید ببینیم با ذخایری که اکنون در اختیار داریم چه میزان تولید می‌کنیم و چه ظرفیت‌هایی برای توسعه در آینده وجود دارد. در حوزه معدن، چه در بخش خصوصی، چه در بخش دولتی و چه در بخش ترکیبی که بخش خصوصی و دولتی در کنار یکدیگر فعالیت می‌کنند و از آن با عنوان بخش خصوصی نیز یاد می‌شود، همواره با دو حوزه اصطلاحاً روبه‌رو بوده‌ایم؛ یکی مسائل مربوط به صادرات، ورود به بازارهای جهانی و حفظ بازارها و دیگری مسئله داخلی که به‌صورت مقطعی ایجاد شده‌اند. هر دو حوزه بر رشد بخش معدن اثر گذاشته و در مقطعی سرعت توسعه این بخش را کاهش داده‌اند.

ما به‌واسطه تحریم‌ها و مسائلی که به‌ویژه در یکی دو سال اخیر، در پی دو جنگ تحمیلی، محدودیت اثرش و تشدید تحریم‌ها ایجاد شده‌اند، با مشکلات بیشتری روبه‌رو بودیم. محدودیت تعامل بانک‌های کشور با بانک‌های بین‌المللی، دشواری واردات ماشین‌آلات معدنی و مشکلات ارزی، هم بر صادرات و هم بر اکتشاف و استخراج اثر گذاشته‌اند. وقتی امکان واردات ماشین‌آلات به‌روز محدود باشد، توسعه مشکلات افزایش بهره‌وری استخراج نیز با دشواری مواجه می‌شود.

در کنار این عوامل، وضع عوارض صادراتی، افزایش حقوق دولتی، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل، کمبود زیرساخت‌های جادای و ریلی و محدودیت بندر برای پهلوگیری کشتی‌های با ظرفیت بالا، مشکلات را تشدید کرده‌اند. این موانع داخلی به مسائل خارجی اضافه می‌شوند و در نهایت، شرایط تولید مستمر و حضور پایدار در بازارهای صادراتی را دشوارتر می‌کنند. در مقطعی نیز محدودیت‌هایی برای صادرات اعمال شده است؛ از جمله عوارض صادراتی، محدود شدن واردات در قبال صادرات، محدودیت برخی کارت‌های بانز گانی برای واردات ماشین‌آلات معدنی و مشکلات مربوط به تعهد ارزی و بازگشت ارز. این مسائل در کنار یکدیگر باعث می‌شوند کشورهایی که شرایط مناسب‌تری برای تولید و صادرات دارند، بتوانند از فرصت‌های بازار استفاده کنند. البته باید به مقایسه ایران با کشورهای مانند استرالیا و برزیل، تفاوت ظرفیت تولید را نیز در نظر گرفت. ذخایر سنگ‌آهن ایران در حدود ۲ تا ۳ میلیارد تن برآورد می‌شود و تولید سالانه ما حدود ۱۰۰ میلیون تن است؛ در حالی که تولید استرالیا و برزیل به چند صد میلیون تن در سال می‌رسد. بنابراین، مقایسه مستقیم ایران با این کشورها بدون در نظر گرفتن تفاوت ذخایر و مقیاس تولید، چندان دقیق نیست. ظرفیت اسمی تولید فولاد ایران حدود ۵۵ میلیون تن و تولید واقعی حدود ۳۰ میلیون تن عنوان می‌شود. در مقابل، ظرفیت تولید فولاد چین حدود یک میلیارد تن است و ظرفیت‌های هند نیز چندین برابر ایران برآورد می‌شود. با این وجود، جایگاه ایران با این مقایسه مناسب است و کشور از موقعیت راهبردی و امکان استفاده از انرژی ارزان‌تر برخوردار بوده است. اگر عوامل داخلی بازدارنده کاهش پیدا کنند و بتوانیم محصولات خود را با کیفیت جهانی عرضه کنیم، امکان حفظ و ارتقای جایگاه فعلی وجود دارد. در مقابل، قوانین کارشناسی نشده در حوزه عوارض، حقوق دولتی، صادرات واردات و حمایت‌های مرتبط با انرژی ممکن است باعث شوند در مقطعی بازارهای صادراتی مناسبی را از دست بدهیم. در این صورت، مشکل فقط متوجه صادرکننده نخواهد بود و به معدن، واحدهای فرآوری و حلقه‌های میانی زنجیره نیز منتقل می‌شود.

❖ **آیا وضع عوارض صادراتی و محدودیت فروش مواد معدنی با هدف تأمین نیاز صنایع داخلی، به توسعه زنجیره ارزش کمک می‌کند یا ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد؟**

نمی‌توان گفت همه قوانین بازدارنده هستند. باید شرایط هر بخش از زنجیره را جداگانه بررسی کنیم. برای مثال، ما برای تأمین ظرفیت‌های فولادی ایجادشده در کشور با کسری سنگ آهن روبه‌رو هستیم. در چنین شرایطی، وضع عوارض بر صادرات سنگ‌آهن ممکن است به حفظ پویایی صنعت و تأمین نیاز واحدهای داخلی کمک کند تا ظرفیت‌های ایجادشده بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند. حتی ممکن است در آینده نزدیک ناچار شویم به واردات سنگ آهن فکر کنیم.

اما در تمام زنجیره نمی‌توان از یک سیاست واحد استفاده کرد؛ زیرا در بخش‌هایی از زنجیره معدن و صنایع معدنی مازاد تولید داریم. در چنین حلقه‌هایی، صادرات می‌تواند به ادامه فعالیت بنگاه‌ها کمک کند. اگر با وضع عوارض بازدارنده امکان صادرات محدود شود، تولیدکننده‌ای که ظرفیت مازاد دارد با مشکل فروش مواجه می‌شود و این مسئله می‌تواند در آمد، نقدینگی و توان سرمایه‌گذاری مجدد او تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، سیاست‌گذاری باید بر اساس شرایط هر حلقه انجام شود. اگر در یک بخش کمبود مواد اولیه داریم، باید برای تأمین نیاز آن بخش برنامهریزی کنیم، اما اگر در بخش دیگری مازاد تولید وجود دارد، باید امکان فروش و صادرات آن محصول را نیز در نظر بگیریم. نمی‌توان با یک قاعده واحد همه حلقه‌ها را مدیریت کرد، زیرا شرایط تولید، نامی بازار و هزینه‌ها در بخش‌های مختلف یکسان نیست. از سوی دیگر، مشکلات انرژی نیز بر عملکرد زنجیره اثر می‌گذارد. مادر زمستان با محدودیت انتقال و تأمین گاز و در تابستان با مشکل تأمین برق مواجه می‌شویم. این محدودیت‌ها باعث می‌شوند واحدهای تولیدی نتوانند همیشه با ظرفیت پایدار

گروه معدن
editor@smtnews.ir



وضع عوارض
صادراتی،

افزایش حقوق

دولتی، بالا

رفتن هزینه

حمل‌ونقل،

کمبود

زیر ساخت‌های

جادای و ریلی

و محدودیت

بندر برای

پهلوگیری

کشتی‌های

با ظرفیت

بالا، مشکلات

را تشدید

کرده‌اند